

واکاوی نماد "تثلیث" در آئینهای ایران و هند (مورد مطالعه: مهرپرستی و هندوئیسم)

اکرم پیله‌چیان^۱

سیدهاشم حسینی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نماد تثلیث در دو آئین باستانی مهرپرستی و هندوئیسم، می‌پردازد. هدف از این پژوهش، واکاوی تشابهات و تفاوت‌های این نماد در این دو آئین و همچنین بررسی تأثیر مهرپرستی بر هندوئیسم است. در همین راستا مقاله حاضر سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که در نماد مشترک "تثلیث" میان آئین‌های مهرپرستی و هندوئیسم چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دیده می‌شود؟ نتایج نشان می‌دهد که هر دو آئین از نماد تثلیث به‌عنوان نمادی از نیروهای ماورائی و الوهیت استفاده می‌کنند. مهرپرستی تثلیث را بیشتر به‌عنوان نمادی از نیروهای طبیعت و هندوئیسم به‌عنوان نمادی از چرخه هستی و وجوه مختلف الوهیت در نظر می‌گیرند. نماد تثلیث در این دو آئین، با وجود شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌های عمیقی در ماهیت، شخصیت‌های تشکیل‌دهنده و نقش‌هایشان دارد. همچنین، این پژوهش نشان می‌دهد که هندوئیسم تأثیرات قابل‌توجهی از آئین مهر پذیرفته است که نشان‌دهنده تبادلات فرهنگی و دینی بین تمدن‌های باستانی ایران و هند است. مقاله حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تطبیقی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، به بررسی دقیق پیشینه تحقیق و ارائه توضیحات مفصل درباره مهرپرستی و هندوئیسم می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: مهرپرستی، هندوئیسم، تثلیث، نماد، ایران، هند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Akrampilechian@gmail.com

۲. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

H.hoseini@neyshabur.ac.ir



مقدمه

نمادها، مظاهر و نشانه‌هایی عینی منعکس‌کننده احساسات و شیوه‌های رفتار آدمی هستند که در طول ادوار مختلف دستخوش تغییراتی شده و از یک فرهنگ به آداب ملل دیگر منتقل شده‌اند. در میان تمدن‌های گوناگون، نمادهای مشترکی یافت می‌شود که می‌تواند تأثیر گرفته از فرهنگ و آداب سنن دیگر باشد. دو تمدن ایران و هند نیز دارای نمادهای مشترکی از قبیل تثلیث هستند که در دو آئین مهرپرستی و هندوئیسم قابل بررسی است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد این مسئله است که «تثلیث» چه تأثیراتی بر دو آئین مذکور داشته است. با توجه به نماد مشترک تثلیث در آئین‌های مهرپرستی و هندوئیسم ایران و هند، این پرسش مطرح می‌شود که در نماد مشترک «تثلیث» میان این دو آئین، چه تفاوت‌ها و تشابهاتی مشاهده می‌شود؟ هدف پژوهش حاضر، بررسی منشأ پیدایش «تثلیث» و رواج آن در آئین‌ها و همچنین تأثیرپذیری آئین هندوئیسم از آئین مهر است. رویکرد پژوهش کیفی بوده و ماهیت آن توصیفی-تطبیقی است.

در غالب پژوهش‌های انجام شده، زمینه‌های تاریخی و آیینی مهرپرستی، هندوئیسم و نمادهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است و به ندرت اشاراتی به تطبیق و مقایسه نماد مشترک «تثلیث» شده است. بررسی نماد «تثلیث» در این دو آیین، نه تنها به درک بهتر باورهای آیینی دو تمدن باستانی ایران و هند کمک می‌کند، بلکه می‌تواند دریچه‌ای به سوی شناخت روابط فرهنگی و تبادلات فکری این دو تمدن باشد.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری آئین‌های مهرپرستی، هندوئیسم و برخی نمادهای آنها را مورد تحلیل قرار داده‌اند. رویکرد عمده به این آثار، تاریخی و سپس موضوعی بوده است و عده‌ای نیز رویکردی تحلیلی و نمادین را انتخاب نموده‌اند که در ذیل به تعدادی از آنها پرداخته می‌شود: حسین علی جعفری در پژوهش خود تحت عنوان «تأثیر مهرپرستی بر مسیحیت» (۱۳۹۶) بیان می‌کند که دین مسیحیت به ادیان پیش از مسیحیت روم باستان از جمله مهرپرستی، مدیون است. در قرن‌های ابتدایی قبل از میلاد مسیح، مهرپرستی رقیب بسیار سرسخت مسیحیت بود، چراکه در آن زمان میترا ناجی و نشان‌دهنده راه و آئین زندگی بود. فرشید نادری در مقاله خود با نام «آئین میترا» (۱۳۸۷) به بررسی آئین مهر پرداخته و

بیان می‌کند که در این آئین سنت کهنی نهفته است که به طرز موفقیت‌آمیزی خود را به انواع مذاهب مختلف در نقاط گوناگون پیوند زده و با نیازهای مردمی که این کیش را برگزیده‌اند، سازگار نموده است. نادره شجاع‌دل در مقاله «پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه مهر ورجوی مراغه» (۱۳۸۴) به بررسی آئین مهرپرستی و نیایشگاه مهر ورجوی مراغه واقع در آذربایجان پرداخته است و بیان می‌کند که این معبد از مهمترین مهرابه‌های شناخته‌شده ایران می‌باشند علیرضا فرهنگ قهقرخی و احسان قدرت الهی در مقاله «بررسی تطبیقی تثلیث مسیحی و هندویی» (۱۳۹۰) به بررسی و تطبیق تثلیث مسیحی و هندویی می‌پردازند که وجه تمایز مقاله حاضر با مقاله مذکور در این است که نماد تثلیث در دین مسیحیت با آئین هندوئیسم مورد تطبیق قرار گرفته و مقایسه‌ای با آئین مهرپرستی انجام نشده است. با توجه به پیشینه پژوهش دریافت می‌شود که پژوهشگران در پژوهش‌های خویش (کتاب، مقاله و پایان‌نامه) بیشتر به زمینه‌های تاریخی و آئینی مهرپرستی و هندوئیسم و برخی نمادهای دو تمدن مذکور پرداخته‌اند و اشاراتی به نماد تثلیث و تطبیق دو آئین مذکور در دو تمدن ایران و هند به صورت تحقیق پژوهشی و میدانی نداشته‌اند. نقطه عطف این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین در همین موضوع است که نماد مشترک تثلیث در میان دو آئین مطابقت و تأثیر این نماد از مهرپرستی بر هندوئیسم شناسایی شود

روش تحقیق

این تحقیق به شیوه توصیفی-تطبیقی و با رویکرد تحلیلی انجام گرفته و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع الکترونیکی است. در این پژوهش هدف کسب اطلاعات کامل و متمرکز در ارتباط با موضوع، همراه با درک عمیق از پدیده و انتقال‌پذیری اطلاعات بوده و از روش نمونه‌گیری کیفی یا هدفمند استفاده شده است. همچنین جهت تحلیل اطلاعات از رویکرد کیفی بهره برده شده است.

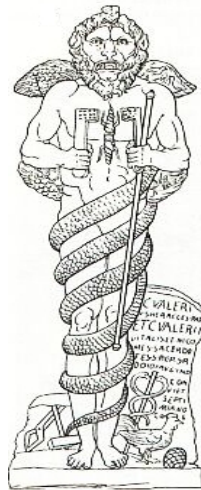
تعاریف مفاهیم

- آئین مهرپرستی

میترا، ایزدی باستانی که ریشه‌هایش در فرهنگ‌های آریایی هند و ایران نهفته است،

محور اصلی آئین مهرپرستی را تشکیل می‌دهد. آیین مهر، که در دوران باستان در مناطق گسترده‌ای از جمله ایران، روم و هند رواج داشت، بر پرستش میترا، ایزد نور، پیمان و عدالت، تأکید می‌کرد. میترا به‌عنوان میانجی بین اهورامزدا و انسان‌ها شناخته می‌شد و نقش مهمی در آئین‌های مذهبی، سوگندها و پیمان‌ها ایفا می‌کرد. در باب ریشه کلمه میترا، عالیخانی بیان می‌کند: «میتره (مذکر) نام یکی از خدایان هند باستان و میثره (مذکر) نام یکی از ایزدان ایران باستان است. میتره اسمی است مرکب از پسوند tra- و ریشه‌ی mi. نام‌های ساخته شده با پسوند tro- (آریایی: tra-). از زمان هند و اروپاییان به این سو، برای ساخت نام‌های خنثی به کار می‌رفته‌اند و این نام‌ها طبق پائینی اسم ابزار هستند. (واژه‌ی لاتینی aratrum: وسیله شخم زدن، خیش؛ واژه یونانی EQETQOV وسیله پارو زدن، پارو؛ و METQOV وسیله اندازه‌گیری، میزان، و جز این‌ها؛ پس میتره (خنثی) در اصل می‌تواند این‌گونه معنا شود: «وسیله...» (عالیخانی، ۱۳۸۴: ۲۶). مهر خود خورشید نیست، بلکه نور و روشنایی است که تاریکی را از بین می‌برد (عمرانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). در روزگاری از تاریخ پرفرازونشیب ایران، از سنگی خارا به حالتی معجزه‌گونه‌ای موجودی کلاه بر سر و خنجر و مشعل در دو دست که به مهر شهرت پیدا کرد، متولد شد. دو چوپان که شاهد این تولد بودند به او ایمان آورده و بر او نماز خواندند (میرفتاح، ۱۳۸۹: ۱۸). زمان زائیده شدن مهر در شب یلدا (۳۰ آذر یا ۲۰ دسامبر کوتاه‌ترین روز و بلندترین شب) است که پیوند استواری با مهر دارد. پیروان آئین مهر چون باور داشتند که مادر زرتشت در آب از تخمه مهر بارور شده است. زایش او را از میان غنچه نیلوفر که مانند میوه کاج است، در صحنه‌های زایش بازنمایی نموده‌اند. برخی گفته‌اند که این نطفه درون نیلوفری در آب دریاچه هامون (کیانسیه) نگهداری می‌شده است؛ شاید از این‌روست که تصاویر را گاه بر نیلوفر آبی یا لوتوس نشان داده‌اند. در روایتی زرتشتی، تخمه زرتشت در آب دریاچه هامون فعلی جای داشت مانند مروراید در گل نیلوفر آبی و توسط ۹۹۹۹۹ موکل نگهبان نگهداری می‌شد. بارور شدن آن‌ها پسا از شستشوی خود در آن آب و زایش مهر، یکی از بارزترین مشخصه‌های مهری است (طبری، ۱۳۸۸: ۵). در کشفیات «بغازکوی» (نزدیک آنکارا) لوحه‌ای به خط میخی کشف شده که مربوط به شاهان میتانی و متعلق به قرن ۱۴ ق.م است. در این متون از خدایان هند و میترا، وارونا و اندیرا یاد شده است (همان: ۶). تاریخ معین سالروز تولد میترا در همان مقطع و محدوده زمانی است که عیسی مسیح (ع) به دنیا آمده است (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۳۲). میترا همانند ایزد فرمانروایی در دستان

خویش، دستوار (عصا) و آذرخش دارد. او با در دست داشتن کلیدهای آسمان، درها را می‌گشاید (کومون، ۱۳۸۶: ۱۲۸). اهورامزدا، میترا را خلق کرده و به اندازه خودش، او را سزاوار تعظیم و تکریم دانسته است (گاسکه، ۱۳۸۹: ۲۹). مهر نیکوکار، نیرومند، آسمانی، قدر و بخشنده و در قله‌های رفیع زندگی می‌کند، جنگجویی است نیرومند و دلیر، پیروزگری است که سلاحی کارساز در دست دارد و راهنمای آدمیان در تاریکی است و فریب نمی‌خورد (ورمارزن، ۱۳۸۷: ۱۸). «مهر ارتباطی با باران دارد: مهر سبب بارش باران می‌شود. میثره رویش گیاهان را موجب می‌شود و این منطقی از آنجا ناشی می‌شود که او نازل کننده باران است. یک وصف میثره ایرانی «دهنده پسر» است» (عالیخانی، ۱۳۸۴: ۱۷). مهر (میترا) و نقش الوانش در همه دوره‌ها به اشکال گوناگون نمایان شده است (میرزائی، ۱۳۹۳: ۹). «مهر، بزرگ ایزد آریایی که نماد نور و فروغ خورشید، یاور جنگجویان راستین و خدای عهد و پیمان بوده، پس از مهاجرت آریاییان به ایران و هند جایگاه ویژه‌ای داشت چنانکه در هندوستان در کنار سایر خدایان بود و نزد ایرانیان ستایش می‌شد و مقام بالایی داشت» (آورزمانی، ۱۳۹۷: ۴۲). تصویر (۱)، میترا را با سری شیر مانند، دارای بال، در دستانش (آذرخش و عصا)، اندامی انسان‌وار که دو مار بر تن وی پیچیده‌اند و بر روی سنگی خارا ایستاده، نشان می‌دهد



تصویر ۱- کروئوس مهری. فلورانس. لئونتوسفالین (دارای سرشیر) می‌تراوم در اوستیا. آنتیکا،

ایتالیا. منبع تصویر: کومون، ۱۳۸۶: ۱۲۸.

تصویر (۲)، موزائیکی روی کف زمین است که تولد میتراس^۳ را به تصویر می‌کشد. او

که از یک صخره بیرون می‌آید، دو ملازمش، کوتس (کائوتس^۴) و کوتوپاس (کائوتوپاتس^۵)، در کنار وی قرار دارند. بالای سر او کلاغ پرواز می‌کند که با اسطوره آفرینش در ارتباط است. کوتس و کوتوپاس، مشعل‌دارانی هستند که در نمادهای آئین میترائیسم رومی باستان، در صحنه قتل گاو نر، معروف به تاروکتونی^۶ در کنار خدای میترا به تصویر کشیده شده‌اند. کوتس مشعل سوزان خود را به سمت بالا و کوتوپاس مشعل سوزان خویش را به سمت پایین نگه داشته است. گاهی هر دو عصای چوپانی در دست نگاه داشتند که نماد نور (یکی برای طلوع و دیگری برای غروب خورشید) هستند. برای با اهمیت نشان دادن میترا، دو ملازم (دارای پوشش لباس ایرانی و کلاه فریجی) از او کوچک‌تر به تصویر درآمده‌اند. ورمازن معتقد است که آنها یک تلیث میترایبی را تشکیل می‌دهند (ورمازن، ۱۳۸۷: ۹۶). هنگامی که مهر سوار بر گردونه خود، تازان از افق نمودار می‌شود، طرف راستش سروش و سوی چپش رشن قرار دارند. دو ایزدی که در جانب راست و چپ میترا روان‌اند و به هیئت کوتس و کوتوپاتس معرفی شده‌اند، همان ایزدان ایرانی هستند که تغییر شکل پیدا کرده‌اند. در اوستا و منابع پهلوی ایزد رشن و ایزد سروش نیز در کار رستاخیز و ارواح نقش‌هایی دارند، به‌ویژه ایزد سروش. کوتس، نماد طلوع خورشید و فلق است و دیگری نشانه غروب خورشید و شفق (ورمازن، ۱۳۸۷: ۸۸). در اوستا نیز غالباً سروش و مهر و رشن، یکجا نامیده شده‌اند (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۲۷).



تصویر ۲- تولد میترا از دل سنگ. موزائیک. منبع تصویر: کومون، ۱۳۸۶: ۱۳۲.

آئین مهر، همچون دین‌های بزرگ دنیا که خداوند توسط پیامبری، برای راهنمایی مردم فرستاده باشد نیست، بلکه آئینی سنتی با آغازی تاریک است که با پندارها و خوی

مردم در سرزمین مختلف هماهنگ شده است (یوسفوند، ۱۳۹۵: ۱۵۰). یکی از رکن‌های آئین مهرپرستی بر شکست‌ناپذیر بودن و جاودانگی استوار بوده و مهرپرستان اعتقاد داشتند که خورشید شکست‌ناپذیر و جاودانه است که آنان را به‌سوی تقدیس کوه‌ها می‌رانده است. زیرا کوه خود پایدار، شکست‌ناپذیر و جاودانه است. از اینجاست که مهرپرستان اعتقاد داشتند که مهر از سنگ متولد شده است، زیرا سنگ نیز شکست‌ناپذیر و جاودانه است (شجاع دل، ۱۳۸۴: ۴۵). «بنیاد دین مهر یا پایین‌ترین پوسته آن، همان باورهای مردم ایران باستان است و از آنجا آغاز خود را یافته است، روی این پوسته‌های مزدایی در بابل، پوسته کلانی از باورهای سامی نشسته و سپس در آسیای کوچک، باورهای بومی هم‌تەنشینی‌هایی بر آن افزوده است» (کومون، ۱۳۸۶: ۵۷). مهرپرستی از آغاز، آئینی برای گروه‌ها و دسته‌های کوچک بود و این امر، از معابد کوچک مهر که هم‌اکنون در اروپا پیدا شده است، معلوم می‌شود. در اصل، معابد مهر در غارها بوده و درون آن، راهرویی که در دو سوی آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان بنا شده بود. در انتهای راهرو، مهرباب قرار داشت که تندیس مهر را در حال کشتن گاو نمایش داده و در دو سوی آن دو مشعل دیده می‌شد. در تندیس گاوکشی، تصاویر ماری که از خون گاو می‌نوشد، سگی در حال جستن به‌سوی زخم گاو، عقرب و کلاغ که پیام‌آور مهر بودند، به چشم می‌خورد (جوادی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۷). در شهرها یا جلگه‌ها - که غاری نبود - این پرستشگاه‌ها را به شباهت غارها، در زیرزمین بنا می‌کردند. معبد به یاری پلکانی طویل به سطح زمین می‌رسید. این عبادتگاه‌ها از نور خارج استفاده نمی‌کردند و پنجره‌ای نداشتند و طاق معبد را همانند آسمان شب آراسته و مزین می‌کردند (مسیبی دهکردی، ۱۳۹۸: ۸۸)

آئین میتراپی در فاصله پایان سده یکم و سده چهارم میلادی گسترش یافت و به تدریج در انتهای آن دوره از میان رفت. بیشترین گستردگی آن در اواسط سده سوم بود و در بخش زیاد و بزرگی از امپراتوری روم گسترش پیدا کرد (وجنولی، ۱۳۸۲: ۹۷). علت گسترش سریع و چشمگیر میترائیسم از نظر جغرافیایی در امپراتوری روم از ربع آخر سده نخست میلادی به بعد هنوز تا حدودی در ابهام است. محققان در مورد نفوذ ارتش روم و محبوبیت میترائیسم در میان سربازان رومی حدس و گمان‌هایی را زده بودند. باین حال، یک مطالعه دقیق جمعیت‌شناختی از پیروان شناخته‌شده میترا بر اساس داده‌های کتبی‌نگاری رومی این نظریه را اندکی سخت کرد. اما وجود آماری معنی‌دار شواهد وجود آئین میترا در

مکان‌های مهم در زیرشبکه‌های نظامی آستانه‌ای که لژیون‌های رومی را به هم متصل می‌کنند، کشف کرده است. قلعه‌ها، نتایج این نظریه را تأیید می‌کند که ارتش روم، مسئول تأمین و نگهداری زیرساخت‌های نظامی رومی بوده که به گسترش آئین میترائیسم کمک شایانی کرده است (Massimiliano. 2018: 117)

میترائیسم در زمان اوج گسترده‌گی جهانی خود در قرون دوم و سوم میلادی از هند تا انگلستان و اسپانیا پیروانی داشت. پرستندگان میتراس از نظام پیچیده‌ای مبتنی بر هفت درجه از تشریف و ضیافت‌های آئینی همگانی پیروی می‌کردند. تشریف‌یافتگان خود را سنداسکیو^۵ به معنی «کسانی که دست در دست هم متحد شده‌اند»، می‌نامیدند. آنان در نیایشگاه‌های زیرزمینی (میتراوم) و در ایران (مهرابه) می‌گفتند، یکدیگر را ملاقات می‌کردند. تعداد زیادی از این پرستشگاه‌ها باقی‌مانده است. خاستگاه این آئین ایران و مرکز آن در روم بوده است و در سراسر نیمه غربی امپراتوری روم تا منتهی‌الیه جنوبی آفریقای روم و نومیدیا، منتهی‌الیه شمالی بریتانیای روم و به میزان کمتری در سوریه روم در شرق، محبوب بوده است. میترائیسم رقیب مسیحیت اولیه پنداشته می‌شود. در قرن چهارم، میتراپرستان مورد آزار و اذیت مسیحیان قرار گرفتند و متعاقباً این آئین تا پایان همان قرن در امپراتوری روم سرکوب شد و از میان رفت. یافته‌های بی‌شمار باستان‌شناسی، از جمله مکان‌های ملاقات، بناها و مصنوعات، به کمک دانش مدرن یافت شده است. نمونه‌های مرتبط با این آئین تاکنون تقریباً ۴۲۰ مکان مختلف کشف شده که از میان این آثار می‌توان به حدود ۱۰۰۰ کتیبه، ۷۰۰ نمونه از صحنه ذبح گاو نر (تاروکتونی) و حدود ۴۰۰ اثر تاریخی دیگر اشاره کرد. تخمین زده می‌شود که حداقل ۶۸۰ مهرابه تنها در شهر رم وجود داشته است. هیچ روایت یا مطالب یزدان شناختی مکتوب از این آئین به جا نمانده است (نیک‌روز، چهارمی، ۱۳۹۶). با توجه به مصالح موجود و بناهای تاریخی، وجود میترائیسم در ایتالیا بین قرن‌های یکم تا چهارم پس از میلاد مسیح (ع) گسترش یافته و در اوستیا بیشترین تعداد از میتراپی (میتراوم) در یک محیط شهری یافت شده است (Massimiliano. 2018: 118). دیوارنگاره‌ای موسوم به میترا در نخجیرگاه در کشفیات شهر باستانی دورا اروپوس (سوریه) پیدا شده که لباس وی، زین و یراق اسب حیوانات گریزنده و منظره‌ای با چند گیاه منفرد مشخصه‌های ایرانی این نقاشی را تأیید می‌کند. شکارگر سوار بر اسب و کمان به دست بر آهوان رمیده‌تر می‌راند و ارس (خدای عشق) در پشت سر او به چشم می‌خورد. برخلاف مضمون‌های نقاشی‌های کوه خواجه، در صحنه‌های

نخجیرگاه دورا اروپوس مضمونی شناخته شده است. این صحنه‌ها تمثیل دیرینه شکار و جنگ و شکست دشمنان دنیوی و معنوی در هیئت حیوانات را نمایان می‌کند. (همان: ۱۲۰)



تصویر ۳- نقاشی دیواری. میترا در نخجیرگاه. دورا اورپوس سوریه. منبع تصویر:

<https://www.google.com/search?q=mithras+art&source>

- آئین هندوئیسم

فلسفه هندویی واجد مکتبی به نام می‌مام سا است. برابر تعالیم این مکتب، معرفت نسبت به هر چیز مستلزم شناخت توأمان وجوه سلبی و ایجابی آن است. همان‌طور که یک گل سرخ رنگ، عطر و خصوصیات دیگری دارد که اوصاف مثبت آن هستند؛ اما در عین حال گل سرخ از گل سوسن متمایز است. بر اساس آموزه‌های مکتب می‌مام سا مادام که به شناخت هر دو وجه یک پدیده نائل نشویم، نمی‌توانیم مدعی شناخت کامل آن پدیده باشیم برای اینکه بتوان چیزی را شیء موجود به شمار آورد لازم است که آن چیز مشخص باشد و توصیف ایجابی صرف برای تحدید و شناساندن یک شیء کافی نیست. تنها زمانی می‌توان به درستی چیزی را شناخت که ابعاد سلبی با اوصافی را که آن شیء ندارد نیز بشناسیم (سالکی، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۸). واژه «هندوئیسم»^۱ اشاره به سنت آئین پیچیده‌ای است که از چند هزار سال قبل در شبه‌قاره هند تکامل یافته و اکنون به صورت اعتقادات و مناسک به غایت متنوع بیش از ششصد و پنجاه میلیون نفر درآمده است. صرف‌نظر از جوامعی از هندوان مهاجر در سرزمین‌های همسایه، مکان‌هایی همچون بالی، جنوب غربی آفریقا و سواحل دریای کارائیب (که همه بر روی هم ده درصد کل جامعه هندو را تشکیل می‌دهند)، بقیه در خود هند به سر می‌برند و در آنجا چهار پنجم جمعیت را شامل می‌شوند. آئین هندو چنان از درون متنوع است که تنها راه قابل قبول

برای معرفی آن نگاه بیرونی و با اشاره به مردم و مکان‌ها است. اصطلاح هندو، در اصل واژه‌ای فارسی برای نامیدن سرزمین هند است. سرزمین هند برای آئین هندو اهمیتی حیاتی دارد؛ جغرافیای مقدس آن با سفرهای زیارتی و دیگر مراسم عبادی کرامت یافته و با محتوای اسطوره‌ها و کتب مقدس عجین گشته است (ویتمن، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۰).

آنچه از مراحل نخستین حیات دینی هند که برخی آن را آئین هندوی پیش از تاریخ می‌نامند - دانسته می‌شود از مطالعه سکه‌ها و پیکره‌هایی متعلق به تمدن دره هند (۴۰۰۰ تا ۱۷۵۰ پ. م.) فراهم آمده است. معمولاً از این آثار چنین می‌فهمند که مردمان آن عصر خدای نرینه‌ای را پرستش می‌کرده‌اند که در این صورت‌گری‌ها در حالت یوگا نشسته است و ویژگی‌های شیوه، خدای مطرح در آئین هندوی متأخر را در خود دارد؛ همچنین خدایی مادینه، نمادهای احلیلی و جانوران و گیاهانی خاص را تقدیس می‌کرده‌اند. به نظر می‌رسد مراسم تطهیر با آب جایگاه مهمی در آداب دینی آنها داشته است. همه این ویژگی‌ها که چندان ارتباطی هم بین آنها یافت نمی‌شود، در آئین هندوی اعتقاد و عمل ظاهر و فراگیر گشت که سنتی دوباره در سطح وسیعی در اعتقاد و عمل، ظاهر و فراگیر گشت که این خود گواهی بر ماندگاری صور دینی در هند است. مرحله دوم از تاریخ دین در هند مربوط به دین وده‌ای است که معمولاً آن را متعلق به اواسط هزاره دوم پ. م. تا ۵۰۰ پ. م. می‌گیرند. آغاز این دوران با ورود قبایل نیمه چادرنشین آریایی مشخص می‌شود. این مردم با غلبه، مصالحه و سازش در طول قرن‌ها در شمال هند پراکنده شدند. آریایی‌ها شاخه‌ای از مردم هندواروپایی بودند که به سوی ایران و افغانستان و سپس به هند سرازیر گشتند دانسته‌های مربوط به دین آریایی‌ها در هند از وده به دست می‌آید. وده مجموعه قابل توجهی از نگرش دینی است که دگرگونی مهمی در آن زمان را به کهن‌ترین این آثار ریگ وده است. ریگ وده مجموعه‌ای از سرودهاست که خطاب به خدایان یا نیروهای الوهی (دوه‌ها) سروده شده و در مراسم دینی به کار می‌رفته است. این مراسم بر محور قربانی آتش و استفاده از گیاه مقدسی به نام سومه برگزار می‌شد. از این گیاه نوعی نوشیدنی به دست می‌آمد که به اعتقاد آنان سبب اعتلای آگاهی می‌گشت. این مراسم آدابی پیچیده داشت و نیازمند وجود دینیارانی متخصص بود. برای ایشان دو اثر دیگر، به نام‌های سامه‌وده^۹ و یجوروده^{۱۰} پدید آمد و به آن مجموعه اضافه شد. در کنار دین رسمی، آئین‌های خانگی هم بود که بایستی توسط بزرگ خانه اجرا می‌شد. چهارمین و آخرین اثر از مجموعه وده‌ها، آنه‌روه‌وده

است که از قرار معلوم کاربرد آن در آئین‌های خانگی بوده و دربردارندهٔ افسون‌های جادویی و طلسم‌هایی برای فائق آمدن بر مشکلات طبیعی و فوق طبیعی است (ویتمن، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶). سه هدف اساس روش زندگی هندویی را تشکیل می‌دهد که عبارت بود از درمه، کسب فضیلت دینی با زندگانی درست، آرته، راه قانونی به دست آوردن ثروت و کامه ارضای تمایلات، و به این ترتیب شامل عمدهٔ ابعاد زندگی انسان می‌شد اما بعدها، مکشه، طلب رهایی، به عنوان چهارمین هدف افزوده گشت (سالکی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

- نماد

نماد، یک اصطلاح، یک نام یا تصویری که ممکن است نمایندهٔ شیء یا مفهومی در زندگی روزانه باشد (افروغ، ۱۳۸۹: ۳۰)؛ و بر مفاهیم انتزاعی و برخاسته از ناخودآگاه بیشتر تأکید دارد تا منطق خودآگاه و متفکرانه. نماد به شکلی غیرمستقیم انسان را به شناخت مدلول خود هدایت می‌کند، زیرا برای بیان و تعریف مستقیم مدلول عبارت رسا وجود ندارد. نماد از تصویری محسوس و شناخته شده به امری متعالی و ناشناخته و مبهم می‌رسد و باینکه مفهومی بارها گشوده می‌شود، اما همچنان زنده باقی می‌ماند. نماد مفاهیمی مجرد در بیش از یک سطح مؤثر است (کوپر، ۱۳۸۶: چهارم). نماد که مظهر و سمبل هم نامیده می‌شود، نشانه‌ای است که نشانگر یک اندیشه، شیء، مفهوم، چگونگی و جز اینها می‌تواند باشد؛ و می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش به طور طبیعی یا بر پایه قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند پیوند داشته باشد. شکل‌گیری نمادها یک روند آگاهانه نیست، بلکه برعکس از راه مکاشفه یا شهود از دل ناخودآگاه تولید و بیرون داده می‌شود. اغلب اوقات نمادها به طور مستقیم از رؤیاهای نتیجه می‌شوند یا از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند که این گونه نمادها پر از انرژی روانی و دارای نفوذی جبری و مقاومت‌ناپذیر هستند. نماد نه تنها باید بیانگر خیال‌پردازی‌های خودآگاهانه تکنولوژیک و فلسفی انسان باشد، بلکه باید از ژرفای سرشت حیوانی او نیز خبر دهد (پاکباز، ۱۳۹۴: ۱۵۳۷).

- تثلیث

تثلیث واژه‌ای عربی است به معنای "سه بخش کردن؛ سه قسمت کردن، سه یکی

کردن". این واژه همچنین در ترجمه واژه "تری‌آس" در یونان آمده است. تثلیث یا سه‌گانه باوری یکی از اعتقادات بنیادین بخش اعظمی از مهرپرستی، هندوئیسم و مسیحیت است که بر اساس آن خدای یگانه در سه شخص خدای گونه تجلی و تجسم یافته است. این سه، ذات یکسانی داشته ولی از هم متمایز هستند. سه‌گانه از منظر متافیزیکی سمبلیزم اعداد و اشکال هندسی رویکردی نسبتاً ساده را در توصیف وجوه و مراتب احتجاب و انکشاف حقیقت اعلی به دست می‌دهد که امکان تبیین و رمزگشایی و فهم را بیشتر می‌کند. عدد سه از دیرباز رمز کل بوده است. آغاز میان و پایان همچنین گذشته، حال و آینده و نیز زمین، فضا و آسمان و به‌علاوه و از نگرش بشری، تولد، زندگی و مرگ با تن جان و روان (جسم، نفس، روح) مثال‌هایی از جامعیت و فراگیری عدد سه هستند. در مکتب ابن عربی سه اولین عدد فرد است. در این مکتب یک عدد، نیست بلکه مینا و سازنده اعداد است و چیزی برتر از عدد تلقی می‌شود. اعداد زوج به دلیل وجه تضاد و واگرایی ماهیتاً رو به کثرت و دوری از اصل دارند ولی اعداد فرد همواره همگرایی و امکان وحدت را در خود حفظ می‌کنند و لذا سه اولین رویکرد به وحدت پس از تجلی اقدس محسوب می‌شود؛ همچنین اولین شکل هندسی با سه پدید می‌آید و با این مثلث می‌توان همه چندضلعی‌های دیگر را ساخت (شیمل، ۱۳۸۸: ۷۱-۹۷). در تائو تکینگ کتاب لائوتسه - گفته شده که یک از تائو متولد می‌شود. دو از یک به وجود می‌آید. سه از دو زاده می‌شود و همه چیز از سه به وجود می‌آید (تائوت چینگ، ۱۳۸۷: گفتار ۴۲). سه، عددی است که پیش از همه در بنای اصول ادیان بزرگ کاربرد یافته است. مثال‌های آن از این قرارند: در مصر باستان ایزیس (خدای پدر یا برادر)، از بریس (خدای مادر با خواهر) و هوروس (خدای فرزند) سه خدای اصلی بودند، در بابل آنو، آ و ائلیل سه خدای محوری بودند. در هندوئیسم سه خدای براهما (خالق) ویشنو (حافظ) و شیوا (نابودکننده) بزرگ‌ترین خدایان هستند. در مسیحیت سه شخص الوهی پدر، پسر و روح‌القدس الوهیت ثالث مسیحی را تشکیل می‌دهند. در اسلام سه نام الله، الرحمن، الرحیم اساسی‌ترین تثلیث اسماء هستند؛ ضمن آنکه اصول دین در اسلام سه تا است: توحید، نبوت و معاد (قهقرخی و قدرت‌الهی، ۱۳۹۰: ۶۳)

تأثیر آئین مهرپرستی بر آئین‌های هند

در هند و منابع قدیمی هندو، میترا را با وارونا (خدای آسمان، آب‌ها و دریاها و محاصره کننده) می‌شناسند. رابطه میترا و وارونا همیشه محفوظ است. وارونا (خدای آسمان،

ربالنوع شب) و میترا (خدای روشنایی، نور، خدای موکل روز) مراسم ستایش و پرستش مشترکی دارند (رضی، ۱۳۸۱: ۷). میترا، ایزدی اسطوره‌ای است که گاه در ریگ‌ودا با صفات و ویژگی‌های همسانی ظهور می‌یابد. این امر می‌تواند بیانگر روزگار یگانگی این دو قوم آریایی باشد. این صفات مشترک عبارت‌اند از: بینایی و خردمندی و نیرومندی. در اوستا نیز بر قدرت بینایی مهر تأکید شده، «او هر که را دروغ بگوید، می‌بیند». نیرومندی و نیروبخشی، میترا چه در ریگ‌ودا — که نسبت به اوستا حضور کمتری دارد — و چه در اوستا بسیار نیرومند و نیروبخش است. در ریگ‌ودا، میترا دهندهٔ روزی و نعمت به مردم و حافظ و نگهدارندهٔ زمین و آسمان، انسان‌ها و همهٔ خدایان شناخته می‌شود و حمایتگر مردمان و نگهدارندهٔ همهٔ خدایان به شمار می‌آید. در اوستا هم مهر با پیروانش پیمان بسته که به آنها برکت و نعمت بخشد. مهر در اوستا هم نگهبان همهٔ آفریدگان آمده و هم یاری‌کنندهٔ هم‌پیمانانش و این وظیفه را اهورامزدا بر عهده‌اش نهاده تا هشیارانه نگهبان آفرینش باشد و میانجی و واسطه است و ایجاد اتحاد از وظایف اوست (مزداپور، ۱۳۹۴: ۳۲۷). میترا، پدیدآورندهٔ باران، آورندهٔ روز، روزآفرینی، از دیگر کُش‌های میترا در ریگ‌ودا و اوستا است. میترا با وجود داشتن ویژگی‌های همسان؛ گاه با کنش‌هایی متفاوت در اوستا نسبت به ریگ‌ودا توصیف می‌شود. علت تفاوت چهرهٔ فعال مهر در اوستا نسبت به رویکرد انفعالی‌اش در ریگ‌ودا، نیاز اجتماعی و بافت فرهنگی مردمان ایرانی‌تبار است که مهر در آن دیرتر پائیده است. در تفاوت‌های مهر با میترای ریگ‌ودا می‌توان بیان کرد: مقام قضاوت و داوری پس از مرگ، ایزد مهر وظیفهٔ داوری روان پس از مرگ را به عهده دارد، هنگام سوگند به او قسم می‌خورند، رسیدگی به دعواهای قضایی و امور حقوقی با حمایت او انجام می‌شود. در سنت زرتشتی، دادگاه روان پس از مرگ سه داور دارد که در رأس آنها مهر قرار دارد و سروش و رشن همکاران او هستند (اوستا، مهریشت، بند ۱۷). بر پایهٔ آخرت‌شناسی بودایی، مایتریا، بودای آینده خواهد بود و اندیشهٔ منجی و مصلح با مفهوم میتریا مطرح می‌شود. این واژه در زبان سانسکریت به معنای «دوست»، «خیرخواه» و «مهربان» است. گفته می‌شود که او در بهشت توسیتا دوباره متولد شده است و در دربار درونی این بهشت زندگی می‌کند و اکنون در آنجا به امرای آسمانی آموزش می‌دهد. به باور گروهی از بودائیان، میتریا آن بیدارگر (بوداسفی) است که در آینده بر روی زمین پدیدار می‌شود. میتریا جانشین بودای تاریخی گوتاما بودا خواهد شد و به

فرمانروایی جهان خواهد رسید. اعتقاد به مایتریا در هند در حدود آغاز قرن اول حاکم بود و بعد به چین و ژاپن گسترش یافت.

نماد تثلیث در آیین‌های ایران و هند (مهرپرستی و هندوئیسم)

نماد تثلیث در مهرپرستی

در تمامی اسناد و سنگ‌نگاره‌های باقی مانده از میترا، دو همراه در کنار او هستند. آریا من (ایزد نگهبان ایرانیان) و بهاگا (ایزد سرنوشت) در ایران؛ Syaosa و asi در هند و کائوتس (نماد طلوع خورشید یا آغاز بهار) و کائوتپتس (نماد غروب خورشید یا آغاز پائیز) در اروپا. این خدایان سه‌گانه می‌توانند ریشه اعتقادی به سه‌گانگی و تثلیث (پدر، پسر، روح‌القدس) در دین مسیح باشد. تقریباً می‌توان در صحنه قربانی، دو نفر دیده می‌شوند که مثل میترا، به سبک ایرانی لباس پوشیده‌اند و در دو طرف گاو ایستاده و پاها را جلیپاوار روی هم انداخته‌اند و بی‌اعتنا به قربانی بوده و مشارکتی در آن ندارند. گاه یکی از آنها کائوتپت دم‌گاو را در دست دارد، گویی می‌خواهد از نیروی سحرانگیز گاو بهره‌مند شود و یا اینکه رشد خوشه‌های گندم را تسریع کند. کائوتپتس اغلب به حالت نشسته ظاهر شده، دست خود را زیر سر قرار داده و غم و اندوه از چهره‌اش آشکار است. در بعضی قسمت‌ها، این دو نفر لباس چوپانی بر تن دارند و چوبی در دست آنها دیده می‌شود. چوپانان در خلق شدن میترا حضور داشتند، ولی در هر صورت از جنس آتیس نیستند. یکی از آنها مشعلی واژگونه در دست دارد و دیگری مشعل را مستقیم و رو به بالا به دست گرفته است که کنایه از طلوع و غروب خورشید و ماه، یعنی فروغ زاینده و میرنده و به عبارت دیگر زندگی و مرگ هستند. آن‌کس که مشعل روشن در دست دارد، زیر تصویر خدای ماه «لونا» و آن دیگری، زیر تمثال خدای خورشید «سُل» قرار گرفته است. نام این دو نفر کوتس و کوتوپاتس است. کوتس، نماد طلوع خورشید و فلق است و کوتوپاتس نماد ماه و شفق است. این دو، نماد مرگ و زندگی هستند؛ گاه آنان همانند میترا لباس پوشیده و کلاه فریجی به سر دارند (کومن، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

محققان، این دو مشعل‌دار به انضمام مهر را ایزدان سه‌گانه می‌تیرایی و یا به عبارت دیگر تثلیث می‌تیرایی می‌نامند. کوتس معرف طلوع خورشید صبحگاهی است، میترا، گویای نیمروز و کوتوپاتس معرف غروب آفتاب است. خورشید در سه مرحله طلوع، نیمروز و غروب، میترا را مجسم می‌کند که اعمال و کارهایش را می‌توان به وسیله خورشید دید و احساس کرد. تضاد

میان کوتس و کوتوپاتس وجود دارد؛ این موضوع در رنگ محراب آن دو، کاملاً مشخص است، محراب کوتس نارنجی رنگ است ولی محراب کوتوپاتس آبی رنگ می‌باشد (امامی، ۱۳۸۸: ۱۰).



تصویر ۴- نقاشی دیواری از میترا در شهر مارینو ایتالیا. قرن ۳م. منبع تصویر: نیکویی، ۱۳۹۷: ۲۴.

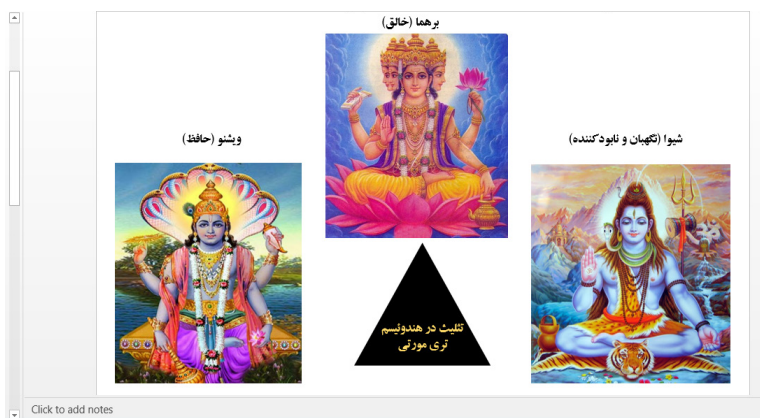
در بعضی بخش‌ها، از این دونفر به‌عنوان دو خدا یاد شده است. دو مشعل‌دار و میترا، خدایان سه‌گانه را تشکیل می‌دهند که تثلیث است. تأثیر عقاید نجومی نیز در آئین مهری بارز است. وقتی کوتس، سر گاو را در بغل دارد، خورشید در برج «ثور» است که مطابق به فصل بهار می‌شود و وقتی عقرب، پهلوی کوتوپاتس است در برج عقرب قرار می‌گیرد که فصل پاییز است. در معبد سنت پریسک روم، اشاره‌ای به تثلیث شده، به این صورت که مثلث بزرگی از مرمر روی دیوار کنده شده است و مرکز آن دایره‌ای است (شورتهایم، ۱۳۸۷: ۶۸). حادثه قربانی گاو به دست میترا، مهم‌ترین نکته در آئین مهرپرستی است. این صحنه در تمام عبادتگاه‌های کشف شده آئین مهر تکرار می‌شود (Soudavar, 2014: 214-215).



تصویر ۵- تثلیث در مهرپرستی. منبع: نگارندگان.

نماد تثلیث در هندوئیسم

ایده خدایان سه‌گانه در اعتقادات کهن هندی ریشه دارد و چنین می‌نماید که خاستگاه آن در کیش‌های خورشیدی است. خورشید سه‌گانه با گرمی انوار خود آفریننده، با نور خود پاسدار و با انوار سوزان خود ویرانگر و سوزاننده است. سه‌گانه‌گرایی در اساطیر هند در اشکال مختلف نمایان می‌شود، آدیتیاها (وارونا، میترا و آریامان) جای خود را به اگنی، وایو و سورید و می‌نهد و وایو نیز جای خود را به ایندرا و می‌گذارد. این خدایان گاه در نقش سه تن از برترین خدایان نمایان می‌شوند و گاه ترکیبی هستند از خدایی یگانه که جهان را در بر می‌گیرد: اگنی خدای زمین، وایویا ایندرا، خدای جو و فضای میانه و سوریا، خدای آسمان است. تثلیث هندو معرف ایده جدیدی از پیوند و یگانگی آفرینش، پاسداری و تباهی است که با آن مفهوم گردش دورانی زندگانی، مرگ و زایش دیگرباره معنی می‌یابد. در معیاری وسیع چنین تثلیثی از هویتی استعاری برخوردار است؛ اما با آن که ایده یگانگی اقلیم سه‌گانه ترکیبی است کهن، در مفهوم فرقه‌گرایی از مفهومی خاص برخوردار می‌شود و پیروان ویشنو و شیوا مدعی اثبات آن با اساطیر هستند و بر این باورند که خدای مورد نظر آنان نه تنها بزرگ‌ترین خدا که در برگیرنده تثلیث در خویش است.

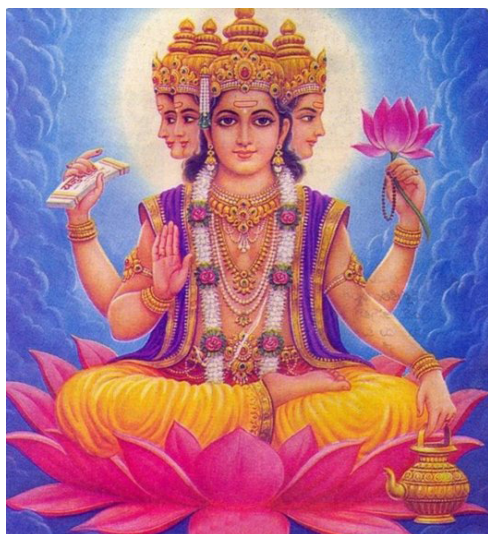


تصویر ۶- تثلیث در هندوئیسم. منبع: نگارندگان.



تصویر ۷- تالیث در هندوئیسم. منبع: <https://mafaz.ir>

براهما جایگزین متأخرتر نمونه‌های باستانی پوروشا (قطب مذکر اولیه) و پراجاپتی (قربانی نخستین) است. همچنین، صفاتی از خدای سوریا (خورشید) در او ظهور یافته است. براهما از ریشه Brih به معنای گسترده شدن است (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۷۸). بر عالم تسلط دارد و خدای آفرینش و مظهر بیرونی انبساط است که در سه‌گانه ستوا، رَجَس و تَمَس، با رجس انطباق می‌یابد. در هندوئیسم، آفرینش به معنای بندگی انسان است (در اقوام سامی نیز نشان‌دهنده هبوط و پست شدن است). از این‌رو، نقش برهما چندان جذاب نیست و لذا مورد توجه و پرستش چندان قرار نگرفته است. براهما در اساطیر با چهار دست نمایش داده می‌شود که در هر دست او یک ودا است. قدمت آفرینش در او به صورت ریش سپید و پیری نمایان است. در اوپانیشادها و وداها پراجاپتی، عالم را به واسطه نیروی ریاضت آفرید. صفات منسوب به براهما عبارتند از: خود پدید آمده، شه‌ریار مخلوقات (پراجاپتی)، استاد بزرگ، نخستین سخنگو، سازمان بخشنده، ترتیب دهنده. او را منشأ هر دانش و حکمت می‌دانند. در متون متأخرتر، به‌تدریج صفت آفرینندگی به ویشنو و شیوا نیز منسوب شده است و سرانجام نیز خلاقیت و فعالیت به شکتی او؛ یعنی مکمل مؤنث نسبت داده شد و به این ترتیب، از اهمیت ویژه برهما کاسته شد. شکتی یا همسر براهما ساراسواتی به معنای مظهر کلام یا چشمه رود کلام ایزدی است و نیز آوا یا بانگ اولیه است (شایگان، ۱۳۶۲: ۲۷۵).



تصویر ۸-برهما، منبع: <https://www.innersanctumyoga.com.au/trinity-of-gods-brahma-vishnu-and-shiva>

ویشنو یکی از خدایان ریگوداست که بر کل عالم تسلط دارد. او با سه مرتبه زمین، فضای میانه و آسمان تطابق دارد. او را گرداننده کائنات و به حرکت درآورنده گردونه ۳۶۰ روز سال می‌دانند. همه چیز متکی به اوست. او اصل حیات و دارای نیروی گسترش بی‌نهایت است. در انبساط و بزرگی بی‌نظیر است. در آئین متأخر هندو او در کنار براهما و شیو سه‌گانه‌ای را تشکیل می‌دهند که در آن نقش حفظ کائنات را دارد؛ نیرویی که به واسطه آن عناصر و کائنات به هم می‌پیوندند و بدین طریق انتظام و هیأت کیهان را استوار می‌سازد. ویشنو از انحلال عناصر پیشگیری می‌کند و عامل پیوستگی و همبستگی هستی، ماده، اصل بقاء و استمرار حیات است. احتمال می‌رود که ریشه آن ویش به معنای گسترش یافتن یا به معنای نفوذ کردن و یا ویشلری به معنای پوشاندن باشد. تمثال‌ها ویشنو را بیشتر در حالت خواب نشان می‌دهند؛ بدین معنا که او برای نگهداری جهان تلاش نمی‌کند و با نیروی جادویی، آن را حفظ می‌کند و در تخیل خلاق خویش عوالم را می‌پرورد. چهار دست و بازوی او نماد چهار جهت فضا و مظهر فرمانروایی او بر جهان است. تخت او به شکل ماری پیچ‌درپیچ است که نماد ادوار متعدد ظاهر شونده جهانی هستند (همان: ۲۶۱). ویشنو مظهر معرفت و مراتب کشف و شهود نیرومندی است. ویشنو سوار بر مرکبی به نام گارودا است

که سر انسان و منقار و تنه عقاب را دارد. معنی گارودا، کلام بالدار است که از ریشه gri و به معنای کلام و گفتار است. گارودا مظهر الفاظ مرموز و سحرآمیز و داهاست و هر که بر بال این کلام الهی قرار یابد عرصه گیتی را به سرعتی برق آسای می کند (شایگان، ۱۳۶۲: ۲۶۴). ویشنو ده تنزل دارد که هر گاه بحران و خللی در هیأت عالم پدید آید. در این هیأت ه ظاهر می شود و جهان را از فساد و سقوط نجات می دهد و بنیاد شریعت و ناموس الهی را احیاء می کند. بینندگان حق، پیامبران صاحب شریعت، خدایان و نژادهای گوناگون تجلیات او هستند. ظهورات او به صورت ماهی، لاکپشت، گراز، انسان نیمه شیر، کوتوله، رامای تبر به دست، راما قهرمان رامایانه، کریشنا و بودا هستند که قبلاً آمده اند و ظهور دهم او به صورت کالکی که همان منجی آخرین است، خواهد بود. ویشنو نماد قوه ستوا یا سبکی و بالاروندگی و روشنایی است (همان: ۲۶۵-۲۷۵)



تصویر ۹- ویشنو. منبع: <https://www.innersanctumyoga.com.au/trinity-of-gods-brahma-vishnu-and-shiva>

شیوا در هندوئیسم متأخر اصل فانی کننده است که در کنار براهما و ویشنو تثلیث مقدس را تشکیل می دهند. این اصل دارای پیچیدگی بیشتری نسبت به دو اصل دیگر است. او پرستندگان خود را معدوم می کند، لذا ایشان از او درخواست مرحمت می نمایند. سلاح او رعد است و بر ازابهای با تیر و کمان تمامی موجودات را نابود می سازد. به علاوه، او داروهای معجزه آسا دارد و پزشک پزشکان و بخشایشگر نیز هست. شیوا به معنی خجسته و فرخنده صفتی است که بعدها به او داده شد (همان: ۲۵۲-۲۵۳). صفات او در پنج مقوله

قابل دسته‌بندی است: -احسان و اکرام؛ -نابودگری و فانی‌کنندگی؛ -قلندر دوره‌گرد -سلطان رقص؛ -شهریار بزرگ (شایگان، ۱۳۶۲: ۲۵۳). دو صفت نابودگری و خجستگی در دو نام رودرا و شیوا ظاهر می‌شوند. او با انهدام عالم هم صور جهان که پرده‌ای بر حقیقت هستند یعنی جهل را بر می‌دارد و هم آفرینش را احیاء و نو می‌کند. او با نابودی عالم موجوداتی را که در چرخهٔ سمساره گرفتار شده‌اند، آزاد می‌کند و چون نوبت آفرینش پای کوبی و دست افشانی می‌رسد، مجددا هستی را صورت می‌بخشد

رنگ شیوا سفید است و از آنجا که مبدأ همه رنگ‌ها سفید است، تمام قوای خدایان دیگر نیز بالقوه در شیوا موجود هستند. او سه چشم دارد که نماد خورشید و ماه و آتش است که گذشته، حال و آینده را در می‌یابد. او با چشم سوم پیشانی حقایق ماوراءالطبیعه را می‌بیند. گیسوان او جریان رود گنگ مقدس است که نشانه پاکی آسمانی است. چهار دست او استیلا بر چهار جهت فضاست و نیزه سه سرش اشاره به سه جوهر متشکله جهان (triguna) یعنی ستوا، رجس و تمس دارد که متناظر با صفات ایجاد، ابقاء و افنا است. دو خصیصه بارز شیو که در مجسمه‌هایش نمودار است، یکی آلت تناسلی است که نشان‌دهندهٔ قوه خلاقه و دیگر، رقص است که نشان‌دهندهٔ نیروی جادویی اوست. در رقص او پنج نیرو مشهود است: -آفرینش؛ -ابقاء؛ -انهدام یا بازگردانیدن به مبدأ؛ -استتار و احتجاب واقعیت لایتنهای در پس مظاهر تخیلی؛ - عنایت و اکرام و لطف و بخشش و صلح و آرامش ابدی (همان: ۲۵۹). شیو دارای ملزوماتی همچون: طبل شیوا که در دست او قرار گرفته، منبع تمامی صداها و زبان‌ها در جهان است. این طبل را با نام "Damru" می‌شناسند. چهار دست و بازوی او نماد چهار جهت فضا و مظهر فرمانروایی او بر جهان است. نیزهٔ سه سرش اشاره به سه یعنی ستوا، رجس و (triguna) جوهر متشکله جهان تمس دارد که متناظر با صفات ایجاد، ابقاء و افنا است. عصا یا نیزه سه شاخه (تْرِیشول) شیوا، نشان‌دهندهٔ سه عملکرد ویژه هستند: خلق، نگهداری و مرگ. این عصا در دست شیوا، نشان‌دهندهٔ این است که تمامی این قدرت‌ها در کنترل او هستند. برداشت دیگر این است که این سه شاخه، نماینده گذشته، حال و آینده هستند که نشان می‌دهند زمان در کنترل شیوا است. چشم سوم شیوا که بر پیشانی او قرار گرفته، چشم عقل است که آن را با نام بیندی می‌شناسند. این چشم ورای ظاهر را می‌نگرد و حقایق ماوراءالطبیعه را می‌بیند. نمادی از قدرت بینش، شهود و خرد متعالی است. سه چشم دارد که نماد خورشید و ماه و آتش است که گذشته، حال و آینده را در می‌یابد. گردنبند

مار کبرا، ماری به دوش و یا بر بازوی خود دارد. شیوا از مرگ مبری است و اغلب به‌عنوان حامی در مواقع اضطراب شناخته می‌شود. او در ازای تندرستی جهان، زهر هلاهل را دارا است که تحت تسلط شیوا درآمده است. دسته موهای پریشان او نشان‌دهنده این است که او ارباب باد یا وایو است. گیسوان او جریان رود گنگ مقدس است که نشانه پاکی آسمانی است. گنگ مقدس، رودخانه‌است که از موهای پریشان شیوا جریان یافته و شیوا اجازه داده تا این رودخانه بر روی زمین جاری شده و برای انسان‌ها زندگی به ارمغان بیاورد



تصویر ۱۰- شیوا. منبع: [https://www.innersanctumyoga.com.au/trinity-of-gods-brahma-](https://www.innersanctumyoga.com.au/trinity-of-gods-brahma-vishnu-and-shiva)

vishnu-and-shiva

شیوا روی سر خود، هلال ماه دارد. این ماه در نزدیکی چشم سوم قرار گرفته و نشان‌دهنده این است که علاوه بر قدرت زایش، توانایی نابود کردن را هم دارد. علاوه بر این، این هلال ماه نمودی از زمان نیز هست. ویوتی، سه خط از خاکستر کشیده شده بر روی پیشانی است که نشان‌دهنده سه جوهره بدی در انسان است (جهل، خودپرستی و خشونت). پوست ببر، شیوا همانند ببر و پلنگ که موجودی قدرتمند هست هر نوع نیرو و قدرتی است؛ بنابراین پوست ببری که او به تن دارد نشان‌دهنده این است که او بر هر قدرتی پیروز است. همچنین ببر نماینده شهوت است. شیوا پوست ببر به تن دارد تا نشان دهد بر شهوت نیز غالب آمده است. اوم نماد دیگری در تصویر شیوا است. برخی معتقدند که

اوم برگرفته از صدای ناشی از انفجار مهیب در ابتدای خلقت هستی و سرآغاز زندگی دنیوی است و به این ترتیب به خالق جهان نظاممند و قدرت لایتناهی اشاره می‌کند و به نوعی فراخواندن قدرت لایزال الهی حاکم بر این جهان است. صدفی حلزونی که نمایانگر قدرت خلق و محافظت و سمبل چهار عنصر حیات است. این صدف پانکاجانیا^{۱۱} نام دارد که به معنای خیر برای پنج یا خلق شده از پنج عنصر است. این پنج عنصر حیات عبارتند از: آب، باد، هوا (اثير)، خاک و آتش. خود صدف همواره تداعی کننده اقیانوس و آب است. نوایی که هنگام دمیدن از آن خارج می‌شود، آوایی قدسی است که نیروهای یزدانی را فر می‌خواند. چرخ یا دیسک همچون خورشید درخشان و نماد ذهن مشعشع و نشان قومی تداوم حیات است. این چرخ راساندراسانا^{۱۲} زیبا منظر می‌نامند که گاه به صورت دیسکی صیقلی و درخشان است و نظام آفرینش بارقه‌ای از انوار تابناک آن است. این صفحه مشعشع در هنگام مقابله با نیروهای تاریکی و ضد یزدانی، به سلاحی مهلک تبدیل می‌شود و در این حالت چون تیغه برنده شمشیری جاودانی که همان لبه تیز عقل مطلق است، می‌درخشد، سر از تن نیروهای جهل جدا می‌کند، و تمام قوای شر را رهسپار وادی عدم می‌سازد

در مواقعی نیز این آلت به چرخ با شش شعاع تبدیل می‌شود. این چرخ از گردش گردونه حیات، سپری شدن زمان، طی شدن روز و ماه و سال، و ظهور و افول ادوار هستی حکایت می‌کند. شش شعاع این چرخ اشاره به شش جهت (چپ، راست، پیش، پس، بالا و پائین) دارد که همگی حول یک نقطه و یک محور که چیزی مگر نقطه اتکاء هستی و نیروی لایزال ویشنو نیست، در گردش هستند. در مرکز این چرخ لفظ مقدس Hrm نقش شده است. این لفظ مقدس از ثبات نیروی لایتنیغیر و اصل واحد جهانی حکایت می‌کند. اگر مرکز چرخ جابه‌جا شود و محور آن از جای خود حرکت کند، نظام کائنات فرو می‌ریزد. گل نیلوفر سمبل جهان است و لایه‌های متعدد گلبرگ‌های آن نمایانگر ادوار مختلف جهانی و مقاطع و مراتب گوناگون هستی است. هشت گلبرگ نیلوفر نشانه هشت جهت وجود است که پس از خلقت از قعر آب‌های اولیه ظهور کردند. هشت جهت مورد بحث عبارت‌اند از راست، چپ، جلو، عقب، بالا، پائین، برون و درون. ظهور نیلوفر از آب‌های اولیه که عاری از هرگونه آلودگی بوده، نشانه خلوص، پاکی و نیروی بالقوه ستوه است که از درون آن قوه مقدس حیات و همچنین گلبرگ‌های دانش و معرفت ظهور می‌کند. گرز ویشنو نشان وجودهای مستقل و فردی است. سمبل دانش و معرفت اولیه نافذترین و مؤثرترین سلاح او

است. لفظ کاموداکی^{۱۳} به معنای مست‌کننده ذهن است و از عظمت علم لایتناهی ویشنو که برای اذهان ناقص غیرالهی قابل ادراک نیست حکایت می‌کند. قدرت این گرز، همان قدرت معرفت ویشنو است. هرگاه با آن حربه با دشمن روبه‌رو شود، قوای نیروهای اهریمنی در مقابل عظمت آگاهی و معرفت او چون ذهن مست‌ها، بی‌ثبات و ضعیف می‌نماید. ویشنو با در دست داشتن گرز در حقیقت کشنده‌ترین حربه‌ها را در دست دارد، سلاحی که هیچ کسی ر یارای مقابله با آن نیست. گرز ویشنو به رنگ طلایی است و چنان سنگین است که کسی جز او توان حرکت دادن آن را ندارد. ویشنو سه گردن‌بند بر گردن دارد: -وایجایانته^{۱۴} که ت زانوی وی پایین می‌آید. این گردن‌بند از پنج ردیف گل یا پنج نوع جواهر شامل زمرد، یاقوت، مروارید، الماس و یاقوت کبود که نماینده پنج عنصر حیات و پنج حس انسانی هستند، تشکیل شده است. -وانا مالا حلقه گلی است مرکب از گل‌های معطر جنگلی که آن هم تا زانوی ویشنو آویخته است. کاستویا این گردن‌بند از آن دوی دیگر اهمیت بیشتری دارد. در جلوی این گردن‌بند یاقوت درشتی است که چون خورشید می‌درخشد. این گوهر درخشان سمبل آگاهی است که عناصر مشعشع و منور جهان یعنی خورشید، ماه، آتش و کلام تجلیات آن هستند. این گوهر درخشان جوهر روح خالص، پاک و بی‌آلایش جهان است.

ویشنو دو گوشواره به گوش دارد که به شکل حیوانات دریایی است و آنها را ماکار می‌نامند. گوش، عضوی است که کسب دانش و معرفت از طریق آن صورت می‌گیرد. دو گوشواره سمبل دو نوع معرفت است: معرفت عقلی و معرفت اشراقی. بازوبندهای ویشنو از جنس ماده الهی است و مظهر سه هدف زندگی در تفکر هندویی است. این سه هدف عبارت‌اند از: راستی و حقیقت، موفقیت و لذت. نیم‌تاج ویشنو که از حاکمیت او حکایت می‌کند، سمبل حقیقت عظیم و غیرقابل درکی است که بالای سر ویشنو قرار گرفته و جهانیان از آن آگاه نمی‌توانند شد. شاید بتوان آن را سمبل نیروی مطلق بی‌شکل و بی‌صفی دانست که گاه از آن با نام ایشور یا براهمن یاد کرده‌اند، چرا که او تنها حقیقتی است که می‌تواند بر فراز سر ویشنو قرار گیرد

بادبزن، بیرق و چتر آفتابی ویشنو، نشان مراسم قربانی است. بیرق نشان عظمت و پایداری یک نظام حکومتی است و حکومت ویشنو تا قلمروهای دور تا خورشید و ماه گسترده است. این دو گره نورانی چون علم‌های منور پهنه هستی هستند و بیرق ویشنو نشان عظمت و جلال خورشید و ماه است. چتر آفتابی نشان استقامت استقرار امپراتوری

ویشنو بر سرزمینی است که وایکوتتا^۵ نام دارد. شمشیر و غلاف ویشنو، نماینده حقیقت و معرفت ناب است. وجد و شغف واقعی منتج از وصال به حقیقت ناب است و نامرادی و رنج ارمغان‌های وادی جهالت و تباهی. این حقیقت ناب و بی‌آلایش حرب‌هی ویشنو است. نانداکا را مظهر شیوا (خدای نابودی) نیز دانسته‌اند. همین درخشش برق حقیقت است که نموده‌های تباهی را از هستی ساقط می‌کند. لیکن حقیقت این است که ظهور جهان و گردش آن تنها با اتکاء به نیروی علم و معرفت نیست، بلکه نیروهای ضد علم نیز در وجود این جهان همواره نقش اساسی داشته‌اند. از سوی دیگر، آنچه آویدید نامیده می‌شود گرچه مفهوم عدم را در بردارد، ولی لزوماً به معنای شر نیست. علم خود از تجلیات خارجی و از عوارض این جهان است، وگرنه در مقام ابدیت چیزی نیست مگر خلاء مطلق و تاریکی محض. پس تاریکی مطلق و نور مطلق هر یک نشانی از یکی از ساحات حقیقت هستند. شمشیر بعد تجلی حق است و غلاف که پوشاننده آن است، سمبل حقیقت در مرتبه خفیه آن می‌باشد. ویشنو به اشکال زیر فرود می‌آید: انسان نخستین، - قهرمان افسانه‌ای راما که نماد مردانگی ویستا است - کریشنا (جوان چوپان خوش‌آواز) - لاک‌پشت - ماهی - شیر - خرس - انسان و غیره. در کل به نه صورت فرود می‌آید. ویشنو خدایی با چهار دست است به صورت حلزون در یک دست اسلحه در دستی دیگر حلقه آهنین و در دست دیگر گرز و در یک دست دیگر نیلوفر آبی.

تطبیق نماد تثلیث در آئین‌های مهرپرستی و هندوئیسم

در مهرپرستی، تثلیث به صورت مهر، دو همراه و ملازمش (کوتس و کائوتوپس) دیده می‌شود. این تثلیث، نمادی از نیروهای طبیعت و جهان هستی است و نقش مهمی در آئین مهرپرستی ایفا می‌کند. میترا، به‌عنوان خدای نور و پیمان، نقش اصلی را در این تثلیث ایفا می‌کند. در هندوئیسم، تثلیث به صورت تریمورتی (براهما، ویشنو و شیوا) شناخته می‌شود. برهما، خدای آفرینش، ویشنو، خدای حفظ و شیوا، خدای نابودی، سه وجه اصلی الوهیت در هندوئیسم هستند. این تثلیث، نمادی از چرخه آفرینش، حفظ و نابودی جهان است و نقش اساسی در فلسفه هندوئیسم دارد. هر یک از این سه خدا، دارای اهمیت و جایگاه خاص خود در هندوئیسم هستند و پیروان خاص خود را دارند. هر دو مفهوم تثلیث، نمادی از نیروهای ماورایی و الوهیت هستند و نقش مهمی در آئین‌ها و فلسفه این دو آئین ایفا می‌کنند. ب

این حال، تفاوت‌های اساسی نیز بین این دو مفهوم وجود دارد، در مهرپرستی، تثلیث بیشتر نمادی از نیروهای طبیعت است، در حالی که در هندوئیسم، تثلیث نمادی از چرخه هستی و وجوه مختلف الوهیت است. همچنین، شخصیت‌های تشکیل‌دهنده تثلیث در این دو آئین، متفاوت هستند و نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کنند، علاوه بر این، تثلیث هندوئیسم، تریمورتی، به صورت خدایان مستقل با پرستش‌کنندگان مخصوص به خود وجود دارند، در حالی که تثلیث مهرپرستی بیشتر جنبه نمادین دارد. پس از واکاوی نماد تثلیث در دو آئین مهرپرستی و هندوئیسم، ویژگی‌ها و خصوصیات نماد تثلیث در هر آئین در جدولی ارائه می‌شود:

جدول ۱- تطبیق و مقایسه تثلیث در آئین‌های مهرپرستی و هندوئیسم

اشتراکات	هندوئیسم	مهرپرستی	
هر دو دارای ساختار سه گانه	تریمورتی (براهما، ویشنو، شیوا)، خدایان مستقل با شمایل‌های مشخص	نمادین، اغلب به صورت سه عنصر یا نماد مرتبط با میترا	ساختار
هر دو شامل سه شخصیت الهی	براهما (آفریننده)، ویشنو (نگهدارنده)، شیوا (نابودکننده)	میترا، کوتس و کائوتوپس	شخصیت‌های تثلیث
هر دو دارای بینش ماورایی و فلسفی	تأکید بر چرخه هستی، وجوه مختلف الوهیت و فلسفه متافیزیکی	تأکید بر نیروهای طبیعت و نظم کیهانی	نوع بینش
هر دو نماد نیروهای قدرتمند و تأثیرگذار	نماد چرخه آفرینش، حفظ و نابودی، وجوه مختلف الوهیت	نماد نیروهای طبیعت، پیمان و روشنایی	کارایی
کاربرد هر دو در آئین‌ها و فلسفه مذهبی	آئین‌های هندو، فلسفه هندو، پرستش خدایان	آئین‌های میترا، سوگندها و پیمان‌ها	کاربرد
هر دو نماد مفاهیم عمیق و ماورایی	نماد چرخه هستی، وجوه مختلف الوهیت، فلسفه متافیزیکی	نماد نیروهای طبیعت، پیمان، روشنایی، نظم کیهانی	مفهومی
تأثیرات فرهنگی گسترده هر دو آئین	تأثیر بر فرهنگ هندی، نماد چرخه هستی و وجوه مختلف الوهیت	تأثیر بر فرهنگ رومی، نماد نیروهای طبیعت	فرهنگی
نقش هر دو در مشروعیت سیاسی	نماد قدرت و مشروعیت پادشاهان هندو	نماد قدرت و مشروعیت امپراتوری روم	سیاسی
نقش داشتن هر دو در آئین‌ها و مراسم مذهبی	آئین‌های هندو، پرستش خدایان، مراسم مذهبی	آئین‌های مهرپرستی، مراسم سوگند و پیمان	آئینی و مذهبی

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

میترا خدایی ایرانی که از او الگوهای دینی، عرفانی، شهریاری و پهلوانی پدید آمده است و مردم چه آگاهانه پیش از اسلام و چه ناآگاهانه پس از اسلام پیوسته در پی تکرار الگوهای رفتاری او بوده‌اند. در دورترین نقطه تاریخ، مهرپرستی که بر پایه تقدیس ایزد ایرانی مهر (میترا) بنا شده بود در ایران رواج داشت. به طور قطع و یقین، مهرپرستی در همه ادیان پس از خودش تأثیر شگرفی گذاشت و در تمامی ابعاد زندگی بشر (معنوی، دنیوی) به‌ویژه ایران حضور پررنگی داشت. مذهب هندوئیسم نیز همانند مهرپرستی از مهمترین دوره‌های آئینی در کشور هند است. این آئین گونه‌ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است.

پس از بررسی نماد مشترک تثلیث میان دو آئین مهرپرستی و هندوئیسم به این نتایج دست یافتیم که هر دو مفهوم تثلیث، چه در مهرپرستی و چه در هندوئیسم، در اصل نمادی از نیروهای ماورایی و الوهیت هستند، این نشان‌دهنده تلاش انسان برای درک و تجسم نیروهای فراتر از دنیای مادی است، تثلیث در هر دو آئین نقش محوری در آئین‌ها و فلسفه ایفا می‌کند، این نمادها نه تنها در مراسم آئینی، بلکه در تفکرات و باورهای اساسی پیروان این آئین‌ها نیز رسوخ کرده‌اند. وجود نماد تثلیث در هر دو آئین نشان‌دهنده تأثیرات فرهنگی متقابل بین تمدن‌های ایران و هند است، این امر به‌ویژه با توجه به ریشه‌های مشترک آریایی این دو تمدن قابل توجه است. در مهرپرستی، تثلیث بیشتر نمادی از نیروهای طبیعت است، میترا، کائوتس و کائوتوپس، نیروهای جهان هستی را تجسم می‌کنند، در هندوئیسم، تریمورتی (براهما، ویشنو و شیوا) نمادی از چرخه هستی و وجوه مختلف الوهیت است، این تثلیث به جنبه‌های فلسفی و متافیزیکی وجود تأکید دارد، شخصیت‌های تشکیل‌دهنده تثلیث در این دو آئین کاملاً متفاوت هستند، میترا، کائوتس و کائوتوپس با عناصر طبیعی در مهرپرستی، و براهما، ویشنو و شیوا در هندوئیسم، هر کدام نقش‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارا هستند. در هندوئیسم، تریمورتی به صورت خدایان مستقل با پرستش‌کنندگان مخصوص به خود وجود دارند، هر کدام از این خدایان دارای جایگاه و اهمیت خاصی در آئین هندو هستند، در مهرپرستی، تثلیث بیشتر جنبه نمادین دارد و خدایان تشکیل‌دهنده آن به اندازه تریمورتی هندوئیسم مستقل

نیستند. در هندوئیسم، ملزومات سه الهه و خدای هندوئیسم دارای تنوع بی‌شماری است و هر خدا خود شامل زیرمجموعه‌ی خدایان دیگر است، در آئین مهرپرستی ملزومات خدای اصلی (میترا) اندک است و تنوع زیادی ندارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هندوئیسم تأثیرات قابل توجهی از مهرپرستی پذیرفته است. وجود ویژگی‌های مشترک بین میترا و خدایان هندو، مانند وارونا، این تأثیر را نشان می‌دهد. نماد تثلیث در مهرپرستی و هندوئیسم، با وجود شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌های عمیقی در ماهیت، شخصیت‌های تشکیل‌دهنده و نقش‌هایشان دارد، این تفاوت‌ها نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های اساسی در جهان‌بینی و فلسفه این دو آئین است، تأثیر مهرپرستی بر هندوئیسم نشان‌دهنده‌ی تبادلات فرهنگی و دینی بین تمدن‌های باستانی است

پی‌نوشت

- ۱- وارونا، واروَنَه، وَرَنَه. در دین ودایی به خدای آسمان گفته می‌شود. خدای بهشت و زمین، آب، اقیانوس، قانون و جهان اموات. (Varuna).
- ۲- اندیرا، خدای آسمان‌ها و جنگ در آئین هندو. همسر ایندرا. (Indra).
- ۳- میتراس شکلی از خدای ایران باستان، میترا است که در امپراتوری روم در ۶۸ ق.م. رواج داشت. این آئین محبوب سپاهیان لژیونر روم بود. تنها مردان او را در خلوت می‌پرستیدند. کیش او به آئین وحشیانه‌ای از غسل خونین بدل شد که تاوروبولیوم (Taurobolium) نام داشت (بهزادی، ۱۳۹۰: ۳۶۱)

4- Cautes

5- Cautopates

۶- توروکتونی به یونانی (ταυροκτόνος) واژه‌ای جدید است که به نقش برجسته‌های بُت (الوهیت) میترائیسم امپراتوری روم داده شده است که میترا در حال کشتن یک گاو نر به تصویر کشیده شده است (Tauroktony)

7- syndexioi

8- Hinduism

9- Samaveda

10- Yajurveda

- 11- Pancajanya
 12- Sundrasana
 13- Kamudaki
 14- Vaijayant
 15- Vaikunta

منابع

- ابی‌الخیر، ش. (۱۳۶۸). *روضه‌المنجمین*. مصحح: اخوان زنجانی، جلیل. تهران: نشر نسخ خطی.
- آشتیانی، ج. (۱۳۷۵). *عرفان: گنوستیسیزم-میسستیسیزم*. بخش چهارم. ودانتا. تهران: شرکت سهامی انتشار
- امامی، ح. (۱۳۸۸) *تجلی میترائیسم در شاهنامه*. ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند). شماره ۳. ۲۰-۵.
- آورزمانی، ف. (۱۳۹۷). *آئین مهر در اسطوره و تاریخ و سیر تحول آن در شرق و غرب*. فصلنامه هنر و تمدن شرق. دوره ۶ شماره ۲۲.
- اولانسی، د. (۱۳۸۰). *پژوهشی نو در منشاء میتراپرستی: کیهان‌شناختی و نجات و رستگاری در دنیای باستان*. ترجمه: امینی، مریم. تهران: نشر چشمه
- ایونس، و. (۱۳۷۳). *شناخت اساطیر هند*. ترجمه: فرخی، باجلان. تهران: نشر گلشن.
- بختورتاش، ن. (۱۳۸۶). *گردونه خورشید یا گردونه مهر*. تاریخ. نشریه بررسی‌های تاریخی. سال هفتم. شماره ۳. ۶۵-۱۰۰.
- بیتس، د. (۱۳۷۵). *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه: ثلاثی، محسن. تهران: انتشارات علمی.
- پاکباز، ر. (۱۳۹۴). *دایرة المعارف هنر*. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- تائوت چ. (۱۳۸۷). *ترجمه: قهرمانی، فرشید*. تهران: نشر مثلث.
- تبری، ا. (۱۳۸۸). *آئین مهر*. ادبیات و زبانها. نشریه چیستا. ۱۷-۵.
- جعفری، عباس. (۱۳۹۰). *گیتاشناسی نوین کشورها*. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جلالی‌نائینی، م. (۱۳۷۵). *هند در یک نگاه*. تهران: نشر شیراز.
- جودی، ش. (۱۳۹۵). *«پی‌یتا» در مسیحیت و «گاوکشی» مقدس در آئین میترا؛ چگونگی تداوم*

- باور و هنر آئینی در تاریخ از طریق تحلیل نقش برجسته و نقاشی. هنر و معماری. نشریه هنر و تمدن شرق. شماره ۱۱. ۱۵-۲۰.
- حبیبی، م. (۱۳۸۱). سیلک؛ نمادها و نشانه‌ها. کتاب ماه هنر. (۴۹ و ۵۰). ۱۷۰-۱۶۶.
- خدادادیان، ا. (۱۳۸۰). داریوش چه کسی بود و چگونه به قدرت رسید؟ (میتراثیسم عنصر مشترک فرهنگی ایران و روم). تهران: نشر به‌دید
- دادور، ا. مبینی، م. (۱۳۸۸). جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان. تهران: دانشگاه الزهرا.
- دادور، ا. منصوری، ا. (۱۳۸۵). درآمد بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. تهران: نشر کلهر
- دورانت، و. (۱۳۷۰). تاریخ تمدن. جلد ۱. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ذاکرین، م. (۱۳۹۰). بررسی نقش خورشید بر سفالینه‌های ایران. نشریه هنرهای زیبا. هنرهای تجسمی. شماره ۴۶.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). تاریخ آئین رازآمیز میتراپی. تهران: چاپ خواجه.
- زمردی، ح. (۱۳۸۵). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر. تهران: نشر زواره.
- شادلو، داود. (۱۳۸۸). طراحی و طراحان فرش در دربار اسکندر سلطان. نگره. شماره ۱۳. ۴۱-۵۱.
- شاهیجانی، م. (۱۳۸۹). هخامنشی‌ها (تمدن و هنر). تهران: نشر سبزان.
- شایگان، داریوش. (۱۳۶۲). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شجاع‌دل، ن و علیپور، ن. (۱۳۸۴). پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه مهر و رجوی مراغه. نشریه تاریخ پژوهی. شماره ۲۴ و ۲۵. ۴۴-۵۵.
- شورتهایم، ا. (۱۳۸۷). گسترش یک آئین ایرانی در اروپا. ترجمه: درخشانی، نادرقلی. تهران: ثالث
- شیمیل، آ. (۱۳۸۸). راز اعداد. ترجمه: توفیقی، فاطمه. قم: انتشارات ادیان و مذاهب.
- شین دشتگل، ه. (۱۳۷۹). بازتاب صورت‌های فلکی بر اساطیر. کتاب ماه هنر. (۲۷ و ۲۸). ۹۲-۱۰۰.
- طاهری، علیرضا و آقاجان‌زاده، زهره. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی تصویر انسان منطقه البروج (زودیاک-من) در نگاره‌های ایران و هند. دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی. دوره نهم. شماره بیست و چهار. ۹۲-۱۰۵.
- عالیخانی، بابک. (۱۳۸۴). مهر در ایران و هند باستان. تهران: انتشارات ققنوس.

علایی‌مقدم، ج. موسوی حاجی، سید ر و مهرآفرین، ر. (۱۳۹۵). در جستجوی اورگت‌ها (نگرشی بر هویت واقعی استقرارهای هخامنشی کشف شده در سیستان). مطالعات باستان‌شناسی. دوره ۸. شماره ۱. ۱۱۴-۱۳۲.

عمرانی، ب. مرادی، ا. (۱۳۹۳). جایگاه مجموعه‌ی زهاک در روند ترویج اندیشه‌های مهرپرستی و معماری مرتبط با آن. نشریه مطالعات باستان‌شناسی. دوره ۶. شماره ۲.

فرشاد، م. (۱۳۶۵). تاریخ علم در ایران. تهران: نشر سپهر.

فرهنگ قهقرخی، علی‌رضا و قدرت الهی، احسان. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی تثلیث مسیحی و هندوی الهیات تطبیقی. سال دوم. شماره ششم

قیطرانی، و. (۱۳۸۴). نجوم به روایت بیرونی. تهران: موسسه فرهنگی اهل قلم.

کریستین، آ. (۱۳۷۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: یاسمی، رشید. تهران: معاصر.

کوپر، ج. س. (۱۳۸۶). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه: کرباسیان، ملیحه. تهران: فرهنگ نشر نو

کومون، ف. (۱۳۸۶). دین مهری. ترجمه: آجودانی، احمد. تهران: نشر ثالث.

کومون، فرانسیس. (۱۳۸۶). آئین پر رمز و راز میترائی (رازهای میترا). ترجمه: رضی، هاشم. تهران: انتشارات بهجت

گاریس، ر. (۱۳۸۸). درآمدی بر میترائیسم. ترجمه: رسول‌زاده، طیبه. تهران: نشر ثریا.

گاسکه، آ. (۱۳۸۹). پژوهش در کیش میترا. ترجمه: ستاری، جلال. تهران: نشر میترا.

گلشنی، ف. رادمنش، ع. تدین نجف آبادی، م. (۱۳۹۵). تحلیل بن‌مایه‌های آئین قربانی در ایران باستان و بازجست رگه‌های آن در کتاب‌های تاریخی ادبی دوره اسلامی. ادبیات و

زبان‌ها. نشریه ادبیات فارسی. شماره ۳۱. ۱۰۰-۸۵

مزدپور، ک و همکاران. (۱۳۹۴). ادیان و مذاهب در ایران باستان. تهران: سمت.

مسیبی دهکردی، فاطمه. آخوندی، اردشیر. (۱۳۹۸). ردیابی از آئین مهر در فرهنگ مردمان چهارمحال و بختیاری با بررسی موردی دو غار پیرغار و آقا سید عیسی. هنر و معماری.

نشریه جلوه هنر. شماره ۲۵. ۸۳-۹۴.

منصورزاده، یوسف. بهفرروزی، مینو. (۱۳۹۷). تحلیلی بر آئین قربانی میترا و نمادهای آن بر اساس آثار هنری. نشریه هنرهای زیبا. هنرهای

میرفتاح، م. (۱۳۸۹). جشن‌ها و آئین‌های ایرانی از دیروز تا امروز. تهران: نشر محمد.

یاحقی، م. (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: نشر فرهنگ معاصر

یوسفوند، رضا و کرمی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی هنر اسطوره ظهور مهر با مدخلی بر بن‌مایه‌ها و مفاهیم موعود آخرین. هنر و معماری. نشریه عصر آدینه. شماره ۲۰. ۱۶۷-۱۴۷.

Soudavar. Abolala. (2014). *Mithraic Societies. From Brotherhood Ideal to Religions Adversary*. Academia.edu or Soudavar.com.

Maksymiuk. Katarzyna. Patryk skupniewicz & Anita Smyk. (2021). *is Cross Always Christian? A Study on icocography of Sasanian seals*. Cogent Arts & Humanities. 8-1. 1956729, DOI: 10.1080/23311983.2021.1956729.

Massimiliano. David. (2018). *A Newly Discovered Mithraeum AT OSTIA*. Akademiai Kiado. Budapest. Acta Ant. Hung. 58.117-131. DOI: 10.1556/068.2018.58.1-4.7.

Massimiliano. David. Alessandro Melega. (2018). SYMBOLS OF IDENTITY AND CULTURE OF THE MONOGRAM IN THE LATE ANTIQUE MITHRAISM. The Case of Ostia. Akademiai Kiado. Budapest. Acta Ant. Hung. 58.133-142. DOI: 10.1556/068.2018.58.1-4.8.

Shekari Niri. Javad. (2020). *Formation of the Mithraic Temples in Northwestern Iran in Comparison with Roman Mithraeums*. Conservation of Historical Buildings Department, Faculty of architecture and urban planning, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran Received: 20 September 2019- Accepted: 16 February 2020.

Vermaserne. Maarten J. Corpus inscriptionum ET monumentonim Religionis Mithraicae. 2 Vole. The Hague. 1956-1960.

<https://www.tertullian.org/reparsed>.

<https://www.livescience.com/mithraeum>.

<https://www.google.com/search?q=mithras+art&source>.

